آینه

بهار

یادداشت: «مصر؛ دموکراسی خیابانی یا کودتای نظامی»؛ حسین جابرانصاری

تحولات اخیر مصر و برکناری محمد مرسی از ریاست‌جمهوری این کشور توسط ارتش اگرچه ویژگی‌های دیگر کودتاهای به‌عمل آمده از سوی ارتش‌های جهان را داراست اما از آنجا که در پی بعضی اعتراضات مردمی و بحران پدیدآمده در مصر انجام گرفته است از سوی بعضی تحلیلگران اقدامی مردمی در ادامه «انقلاب» دوسال پیش مصر نامیده شده و در چارچوب مفهوم «دموکراسی خیابانی» به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد ترویج نیز قرار گرفته... کودتا توسط ارتش همواره کودتا خواهد بود و نه اقدامی مردمی یا دموکراتیک. دیر یا زود نیروهای اجتماعی کمک‌کننده به کودتای اخیر مصر نیز خواهند دانست که از ترس مار به اژدها پناه برده‌اند. زیرا اگر ترس آنان از انحصارگرایی اخوان‌المسلمین بیشتر مبتنی بر یک تخمین یا پیش‌بینی ایدئولوژیک و حداکثر مبتنی بر یک تجربه کوتاه یک‌ساله از حضور اخوان در جزیی (تنها جزیی) از قدرت مصر است، ترس از ارتش به‌عنوان کانون محوری قدرت در چند دهه اخیر مصر مبتنی بر واقعیت‌های مسلم تاریخی است.

کیهان

سرمقاله: «مصر، بحران ادامه دارد»؛ سعدالله زارعی

اگر نگاهی به رسانه‌ها و مواضع دولت‌ها و رسانه‌های غربی عربی بیندازیم، می‌بینیم که همه انگشت‌ها به سمت اخوان‌المسلمین و دولت آن نشانه رفته و در مورد عوامل دیگر سکوت شده و یا با اشاره بسیار مختصر از آن می‌گذرند. اما برای آنکه بدانیم این تنها بخشی از واقعیت است و نه همه آن، کافی است مثلا رفتار ارتش و نهاد قضایی مصر در زمانی که دولت اخوانی با رای مردم سر کار آمد و احزاب و گروه‌های شکست‌خورده در موضع «معترض» بودند را با دو روز پیش که یک دولت با حکم وزیر دفاع سر کار آمد و اسلام‌گراها در موضع معترض بودند، مقایسه کنیم تا دریابیم، نقش نهادهایی که قانونا باید بی‌طرف می‌ماندند و خود هم ژست بی‌طرفی می‌گرفتند، چه بوده است... شرایط پس از برکناری مرسی از قدرت و مواجهه ارتش با معترضان اسلام‌گرا در میدان رابعه با هواپیمای جنگی نشان می‌دهد که اوضاع مصر تحت کنترل نیست و ممکن است اوضاع به‌گونه‌ای سوق پیدا کند که ارتش توانایی کنترل آن را نداشته باشد.

وطن امروز

سرمقاله: « از اخوان‌الاسراییل تا سکولارالاخوانین»؛ شروین طاهری

چهارشنبه گذشته که... رییس شورایعالی نظامی مصر... حکم برکناری محمد مرسی را از سمت ریاست‌جمهوری قرائت می‌کرد، درست مصادف بود با دهمین روز شهادت شیخ حسن شحاته، عالم بزرگوار شیعه و سه‌نفر از یارانش... این نشان می‌داد که مرسی و حلقه اطراف او که گردانندگان کراواتی جنبش اخوان‌المسلمین بودند... چه میزان برای حفظ قدرت و استحاله دموکراسی مصر به «دولت خلافتی» مطلوب‌شان که قرار بود به نوعی جدید از دیکتاتوری مرتجع شبیه شیخ‌نشین‌های عربی بدل شود، از ریشه‌ها و عقبه فکری اولیه خود جماعت «اخوان‌المسلمین» فاصله گرفته‌اند. تا جایی که مردم کوچه بازار دیگر این جماعت را نه با عنوان تاریخی‌شان که یادآور نخستین جنبش فراملی اسلامی و ضداستعماری در خاورمیانه است بلکه با عناوینی چون سکولارالاخوانین (برادرهای سکولار) یا اخوان‌الاسراییل یاد می‌کردند.

جمهوری اسلامی

توازن خبری به سبک رسانه ملی

صداوسیمای جمهوری اسلامی دست به ابتکار جدیدی زده و برای برقرار کردن توازن خبری میان رییس‌جمهور منتخب و رییس‌جمهور فعلی، خوش‌ذوقی نشان داده است. بعد از آنکه خبر دیدار روز پنجشنبه آقای روحانی با مراجع تقلید قم منتشر شد، صداوسیما در اخبار مربوط به سفر همزمان آقای احمدی‌نژاد به قم اعلام کرد رییس‌جمهور در حرم حضرت‌معصومه(س) بر مزار مراجع تقلید سابق فاتحه خواند!

رسالت

سرمقاله: «پاسخ آمریکا به خلق حماسه سیاسی ملت»؛ محمدکاظم انبارلویی

دور جدیدی از تحریم‌های خصمانه آمریکا از دوشنبه گذشته علیه ملت ایران در حال عملیاتی شدن است... مقامات آمریکایی صریحا گفته‌اند هدف از تحریم‌های جدید، فلج کردن چرخ اقتصاد کشور به منظور به زانو درآوردن ملت ایران است. آنها تحریم‌های جدید را شدیدترین مجازات‌ها در تاریخ خوانده‌اند... اعمال تحریم‌های جدید قبل از اینکه یک پیام برای ملت ایران باشد یک پیام خصومت‌آمیز به منتخب ملت ایران است. چون ملت در گذشته از این پیام‌ها زیاد دریافت کرده و پاسخ آن را هم داده است. اما منتخب ملت جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین روحانی باید این پیام را دریافت کند و پاسخ قاطع آن را هم بدهد. طبیعی است اولین پاسخ، تدارک خلق حماسه اقتصادی با راهبرد اقتصاد مقاومتی است. ملت ایران هیچ‌گاه زیر بار ننگ تسلیم در برابر عربده‌جویی‌های آمریکا نمی‌رود.

قانون

گزارش: «دعوا بر سر عارف»

بدون تردید کناره‌گیری عارف از انتخابات در موفقیت روحانی تاثیر بسزایی داشت. رییس‌جمهوری منتخب نیز به این موضوع معترف است ولی همین مساله به چالش اصلی روحانی تبدیل شده است. اصلاح‌طلبان دوآتشه‌ای که هوادار عارف بود، انتظار دارند که این اقدام با انتصاب وی در سمت معاون اولی رییس‌جمهور منتخب پاسخ داده شود. اما مخالفان شناسنامه‌دار اصلاحات نمی‌خواهند روحانی چنین کاری کند. برای همین بود که روزنامه کیهان اخیرا در مطلبی به روحانی درباره استفاده از عارف هشدار داد... عارف اکنون خط‌قرمز اصلاح‌طلبان تندرو و اصولگرایان افراطی برای حضور و عدم حضور در کابینه است.

فاطمه هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

مطالبات زنان و دولت روحانی

آمنه شیرافکن

«فاطمه هاشمی» تاکید دارد که تمایلی به پذیرش سمت‌های اجرایی و مدیریتی ندارد. با اینکه نامش در گمانه‌زنی رسانه‌ها به‌عنوان یکی از زنان حاضر در کابینه آینده «حسن روحانی» مطرح است، به «شرق» می‌گوید: «همین جا در انجمن بیماران خاص خواهم ماند، لذت کمک به انسان‌ها در این سطح را با هیچ پست و سمتی عوض نخواهم کرد.» گفت‌وگو با او در طبقه ششم ساختمانی در شمال تهران پیرامون دغدغه‌هایش برای مشارکت سیاسی زنان در دولت آینده انجام می‌شود. رویکردش به مشارکت سیاسی زنان در دوره‌های گذشته انتقادی است، انتقاداتش هم شامل حال اصولگرایان می‌شود و هم اصلاح‌طلبان. به هر شکل فاطمه هاشمی این واقعیت را می‌پذیرد که دختر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بودن در تبدیل او به یک شخصیت سیاسی بی‌تاثیر نبوده و تاکید دارد که در تمام این چند دهه بستر مناسبی برای حضور زنان در سیاست و قدرت به وجود نیامده است. از اینها گذشته زنان نیز در بدو ورود به قدرت، از تجربه همکاری دیگر زنان حاضر در قدرت سر باززده و یکه‌تازی می‌کنند. او امیدوار است که دولت تدبیر و امید فرصتی برای هم‌اندیشی و پیگیری مطالبات زنان باشد، مطالباتی که بخش عمده آن روی زمین مانده و در هر دولتی رنگ‌وبوی سیاسی پیدا کرده و از اولویت خارج شده است. او همچنین از شکل‌گیری کارگروه‌های پیگیری مطالبات زنان در ماه گذشته خبر می‌دهد، کارگروه‌هایی که از تمامی زنان کارشناس، خبره و متخصص دعوت کرده تا از رای و نظرشان پیرامون مسایل زنان باخبر شوند.

عکس: مهدی حسنی، شرق

شما در میان خاندان هاشمی کمتر چهره سیاسی بودید، همیشه اسمتان با «بنیاد بیماری‌های خاص» و امور اجتماعی مطرح بود، اما پس از انتشار تصاویرتان در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی و همراهی با برادرتان مهدی هاشمی و بعدتر مصاحبه‌هایی با تم سیاسی، بیشتر به‌عنوان چهره‌ای سیاسی مطرح شدید.

البته من از ۱۸سالگی وارد سیاست شدم؛ در شاخه دانش‌آموزی حزب جمهوری. از همان موقع نیز از مشورت پدر در امور و تحلیل مسایل بهره‌مند بودم. اما در ۱۷سال گذشته در بنیاد بیماری‌های خاص به افرادی که از بیماری رنج می‌برند، خدمت کرده‌ام و از این جهت احساس رضایت دارم.

اما به جز حزب جمهوری که سال‌ها عضو آن بودید؛ پیش از ورود به امور اجتماعی، «انجمن همبستگی زنان» را ثبت کردید، به‌عنوان فردی که خاستگاه سیاسی داشته، چرا بیشتر در انجمن‌های سیاسی فعالیت نکردید؟

پیش از تاسیس «انجمن همبستگی زنان»، نخست در دفتر مطالعات وزارت خارجه، سازمان تبلیغات اسلامی و بعد هم در دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری فعالیت می‌کردم؛ آن موقع بود که حس کردم با شکل‌دادن به انجمنی در حوزه مشارکت سیاسی زنان، می‌توان از آن برای شناساندن هرچه بهتر زنان ایران به جهان بهره‌مند شد. «انجمن همبستگی زنان» تنها، به مساله همبستگی زنان ایران محدود نمی‌شد، بلکه مساله‌ای جهانی بود. از همان سال ۷۳ با شکل‌گیری این نهاد، در پی آن بودیم تا نگاه جهان به زن ایرانی را تغییر دهیم.

برنامه‌های شما در «انجمن همبستگی زنان» برای پیشبرد امور زنان چه بود؟

ما در انجمن به دنبال چند موضوع بودیم. یکی اینکه با انتشار کتاب‌ها، جزوات، سمینارها و نشست‌هایی که در خارج و داخل برگزار می‌کنیم، به دنیا بگوییم که نه‌تنها زن بعد از انقلاب منزوی نشده، بلکه زمینه فعالیت برای زنان فراهم شده است. به هر شکل قبل از انقلاب خیلی از زنان محجبه امکان حضور در عرصه عمومی را نداشتند و بعد از انقلاب شاهد تصرف عرصه‌های دانشگاه از سوی زنان بودیم. پس از انقلاب، زنان به‌طور جدی‌تر و گسترده‌تر از گذشته به عرصه جامعه بازگشتند. هدف اصلی این بود که بتوانیم تصویر درستی از زن ایرانی به دنیا معرفی کنیم نه اینکه خودمان را از جامعه جهانی جدا کنیم. اتفاقا در این مسیر تا حدودی موفق بودیم، برای نمونه کنفرانس اسلامی زنان در چارچوب کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سطح کارشناسی شکل گرفت و پایه آن هم همین انجمن همبستگی زنان بود.

یکی از سوال‌ها همیشگی این بوده که اگر احزاب و انجمن‌های زنان در آستانه انقلاب شکل گرفته، حالا چرا همان معدود تلاش‌های حزبی، دیگر دیده نمی‌شود و متاسفانه در ساختار قدرت سیاسی، زنان همیشه طفیلی بوده‌اند؟

اینکه در حال حاضر تشکیلات منسجم و فعال در حوزه زنان وجود ندارد، در کارشکنی‌های گذشته ریشه دارد. اینکه هیچ‌گاه وجود تشکلی مستقل از زنان به رسمیت شناخته نشده یا اگر هم شده نمود عملیاتی نداشته یا سنگ‌اندازی‌های فراوانی در کار بوده. برای نمونه با پیگیری‌هایی که انجام دادیم، سرانجام «انجمن همبستگی زنان» در سازمان کنفرانس اسلامی عضو ناظر شناخته شد و ما در آنجا صاحب کرسی شدیم. همان موقع این فرصت در اختیار ما بود تا نظراتمان را در کمیته‌های کارشناسی و مشورتی سازمان کنفرانس اسلامی بیان کنیم. اتفاقا تاسیس یک «کمیته زنان» که پیش‌تر در پاکستان پیشنهاد داده شد و تا آن روزها راکد مانده بود را پیگیری کردیم. حتی دو بیانیه هم در سازمان کنفرانس اسلامی در این رابطه منتشر شد. قرار بود «موسسه اسلامی زنان» ذیل سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل شود. کارها خیلی خوب جلو رفت، اما در جایی متوقف ماند.

اینها که می‌گویید مربوط به دوران ریاست‌جمهوری پدرتان می‌شود؟

بله

منظورتان از متوقف‌ماندن این است که در دوره آقای خاتمی شاهد توقف شکل‌گیری «موسسه اسلامی زنان» بودیم؟

نه اینکه ایشان به‌طور مستقیم نیتی داشته باشند؛ اما به هر شکل دفتر امور زنان هم پیگیر شکل‌گیری این ساختار در سازمان کنفرانس اسلامی نشد؛ البته این نهاد در دولت آقای احمدی‌نژاد بسته شد و بعد دیگر کار جدی‌ای در این زمینه شکل نگرفت.

یعنی برای ادامه فعالیت بنیاد بیماری‌های خاص هم در آن دوره محدودیتی به وجود آمد؟

نه خود دولت اصلاحات بلکه افرادی که در بدنه دولت بودند، گاهی سنگ‌اندازی می‌کردند، حتی می‌خواستند بنیاد بیماری‌های خاص را تعطیل کنند. ولی افرادی که در بنیاد کار می‌کردند با فعالیت همه‌جانبه اجازه تعطیلی را ندادند. این را گفتم که مشخص شود دختر آیت‌الله هاشمی نیز در جایی با محدودیت مواجه می‌شود، اما تلاش‌های بعدی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت باشد، به هر حال شاهد بودید که برخی از اعضای خانواده هاشمی در این دوره راهی زندان شدند، بنابراین همیشه انتساب‌های خانوادگی برای شما امنیت به بار نمی‌آورد، باید ساختارهای کلان به سمتی مدیریت شود که حضور زنان در سطوح مختلف قدرت هدفمند و اجرایی باشد. ساختاری که دولت‌های آینده نیز ناگزیر از اجرای برنامه‌های مشارکتی باشند؛ نه اینکه ما در هر دوره زنانی را تربیت کنیم و پس از آن نیز همان زنان محدود در دوره بعدی از قدرت کنار گذاشته شوند و همه چیز مسکوت باقی بماند.

خیلی‌ها این هشت‌سال اخیر را دوران دشواری برای پیگیری مسایل زنان عنوان کرده‌اند، از کاهش سطح مشارکت گرفته تا بیکاری و برخی قوانین تبعیض‌آمیز. به‌عنوان زنی که فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی داشتید در دوره احمدی‌نژاد با چه مخاطراتی مواجه بودید؟

مصداقی اگر بگویم، فعالیت‌های انجمن همبستگی زنان و انجمن فدراسیون اسلامی ورزش زنان که عضو ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی بودند، در دولت آقای احمدی‌نژاد متوقف شدند. ماجرا تا آنجایی پیش رفت که حتی نامه‌هایی که برای ما از نهادهای بین‌المللی برای شرکت در جلسه‌ها فرستاده می‌شد، به دست ما نمی‌رسید.

کدام نهاد، مسوول این کار بود؟

وزارت امور خارجه. البته مشکل سطحی‌نگری و عدم اتحادی که میان زنان وجود دارد، جلو کار ما را گرفت.

از کجا معلوم است که خانم‌ها جلو کار انجمن را گرفتند؟

از طریق وزارت خارجه پیگیری کردیم و متوجه شدیم برخی خانم‌هایی که آن زمان در امور خارجه مسوولیت داشتند جلو کار را گرفتند.

فکر نمی‌کنید آنان صرفا مجری دستورها بوده‌اند؟

هرچه که بود، مانع شدند. کرسی‌مان را در سازمان کنفرانس اسلامی از دست دادیم. دلیلش هم ممانعت برخی از خانم‌هایی بود که در وزارت خارجه بودند. در این مورد گزارش و نامه‌های مفصلی دارم. بنابراین تجربه به من نشان داده که ۷۰درصد مشکلات زنان به خودشان برمی‌گردد، اینکه حامی همدیگر نیستند و به هم کمک نمی‌کنند.

فکر می‌کنید برای رسیدن به این سطح از تعامل فرهنگ‌سازی کامل را انجام داده‌ایم؟ حضور زنان در قدرت در ابتدای کار است و باید علاوه بر ایجاد زمینه‌های حضور، بتوانیم فرهنگ‌سازی لازم را انجام دهیم.

معتقدم که باید این فرهنگ‌سازی توسط خود زنان انجام شود. چرا که زنان مادران و مربیان فرزندانشان هستند

خب اگر اینطور باشد توقع ما و شما از جامعه و ساختارهای قدرت چه می‌شود، اینکه فاطمه هاشمی امروز در ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی چهره شده، دلیلش این بوده که در خانواده آیت‌الله هاشمی متولد شده، اگر اینطور نبود شما هم در خیل زنانی بودید که این روزها با انبوهی از مشکلات دست به گریبانند، فکر نمی‌کنید که در این ۳۵سال به جز شعار، اقدام عملی برای مشارکت دادن زنان در امور انجام نشده؟

ببینید اینکه امکان خانوادگی در به قدرت رسیدن یا رشد زنان سیاسی ما تاثیرگذار بوده، امری پنهانی نیست اما این مساله به توانمندی زنان هم بستگی دارد، زنانی را می‌شناسم که همین امکان خانوادگی را داشته‌اند ولی نتوانستند موفقیت چندانی کسب کنند. اتفاقا به دلیل وجود همین ساختارهای مورد انتظار است که تنها برخی از زنان در جامعه می‌توانند راه به جایی برند، اما نمی‌توان منکر این واقعیت شد که در ساختار قدرت ما نیز مشکلات عمده‌ای وجود دارد. حتی خود من با وجود پشتوانه خانوادگی بارها با موانع سخت مواجه شده‌ایم. هیچ‌وقت برای زن‌ها زمینه‌سازی درستی نکردند، اگر زنانی آمدند که متصل به قدرت بودند، توانستند کاری را جلو ببرند و اگر متصل به قدرت نبودند با هر زحمتی که کشیدند، ممکن است تا یک حدی جلو بروند ولی موفقیت درخشانی به دست نیاوردند و حضور موقتی داشته باشند. نکته دیگر اینکه ما در کشور همیشه دعواهای سیاسی داریم ولی زن‌ها نباید خودشان را در این وادی بیندازند. چون زنان در ابتدای راه هستند. زن‌ها باید خودشان را از این دعواها دور کنند. یعنی نه اینکه وارد قدرت نشوند، ولی به فرض اگر زن اصلاح‌طلب وارد قدرت شود، باید بتواند از زن اصولگرا حمایت کنند و همین‌طور برعکس. این اشکال اساسی در زنان وجود داشت که هر گروهی به روی کار می‌آمدند گروه قبلی را حذف می‌کردند. بی‌توجه به این نکته که ما در پیگیری امور زنان «هویت‌محور» هستیم، نه چپ و راست. البته این مشکلات در مردان هم به وفور دیده می‌شود. ولی چون قدرت دست مردان است به این شدت لطمه نمی‌بینند. بنابراین زنان برای اینکه وارد وادی قدرت شوند و بتوانند یک تغییر و تحول جدی ایجاد کنند، باید بتوانند در بازی‌های سیاسی به نفع یکدیگر کار کنند نه به ضرر یکدیگر.

حالا با این تفاسیر فکر می‌کنید برای زنان مستقلی که دسترسی به قدرت ندارند، باید چه تدابیری اندیشید؟ اگر خودتان فردی عادی بودید، شخصیتی غیر از دختر آیت‌الله هاشمی، آیا می‌توانستید در همین حدود از بحث‌ها و مسایل سیاسی و اجتماعی وارد شوید؟

بالاخره موقعیت خانوادگی بسیار تعیین‌کننده است و در برخی از خانواده‌های سیاسی، شاهد حضور زنان سیاسی هستیم. برای شخص من این مساله رهاوردهای خوبی داشته، چراکه روحانی‌بودن پدرم، مانع از تشویق ما به ادامه تحصیل و پرداختن به امور سیاسی و اجتماعی نشد، از اینها گذشته به دلیل روحانی‌بودن پدرم، خوشبختانه توانستم مناسباتم را با روحانیون حفظ کنم و مسایلی را از طریق آنها دنبال کنیم.

خب برگردیم به «انجمن همبستگی زنان»، در آن موقع چه کارهایی انجام دادید که بتوان بر اساس آن دسترسی زنان از حاشیه به متن قدرت را ارتقا داد؟

یکی از اموری که در انجمن پیش بردیم این بود که با همسران دیپلمات‌های ایرانی خارج از کشور ارتباط گرفتیم چراکه آنها سفیران آشنایی زنان دیگر کشورها با زنان ایران بودند؛ همچنین در انجمن، یکی از کارهایی که کردیم سازماندهی نهادهای مردمی یا همان سازمان‌های غیردولتی بود. فکر می‌کنم یکی از راه‌هایی که بتوان زنان را در مسیر مشارکت سیاسی پیش برد، سرمایه‌گذاری متراکم در حوزه‌های مدنی و تسهیل ثبت سازمان‌های غیردولتی باشد. خوشبختانه همان زمان هم «دفتر امور زنان» به خوبی مساله رشد و توسعه سازمان‌های مردمی را در دستور کار قرار داده بود و موفق بود. «NGO»ها در دوران مدیریت خانم «شهلا حبیبی» در دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری به خوبی سازماندهی شده بودند و نمود آن را در «اجلاس پکن» دیدم، در این اجلاس همه طیف‌های فعال در حوزه زنان حضور داشتند، از اصلاح‌طلبان گرفته تا اصولگرایان و میانه‌روها.

از تجربه حضورتان در مرکز امور زنان در دوران اصلاحات بگویید؟

دیدیم که با آمدن مدیر جدید، مدیر قبلی به حاشیه رفت و دیگر از تجربه‌های ایشان در دولت آینده استفاده بهینه‌ای صورت نگرفت؛ زمانی که این اتفاق افتاد چندین‌بار با مدیر جدید در این رابطه صحبت کردم. ولی متاسفانه ایشان هم، فکر می‌کردند که افراد مربوط به دوران قبل را باید کنار گذاشت و به همین خاطر قبول نکردند.

مهم‌ترین نکته این است که مردان کابینه آقای روحانی از چهره‌هایی انتخاب شوند که نگاه روشنی به مشارکت زنان داشته باشند، فراموش نکنیم که ما از چیدمان زنان در قدرت گاهی به‌دنبال کسب امتیاز هستیم، امیدوارم در دولت آقای روحانی زنان نه‌تنها در سمت‌های سیاسی مهم و کلیدی، که در ساختار میانی قدرت نیز حضور داشته باشند

حالا در دولت میانه‌روی آقای روحانی آیا امکان بهره‌مندی از توان تمام زنان صاحب تجربه در عرصه سیاست وجود دارد؛ یا اینکه برخی قرار است، برخی دیگر را حذف کنند؟

امیدوارم زنان توانمند در دولت آقای روحانی در صحنه حضور داشته باشند و شاهد نگاه حذفی نباشیم.

با توجه به نقدهایی که به عملکرد دفتر امور زنان در درون اصلاحات داشتید، این نقد به خودتان وارد است که چرا به فکر انتقال تجربیات خود برنیامدید، البته منظورم تنها مرکز امور زنان نیست و این مساله اتفاقا ارتباط شما با نمایندگان مجلس ششم را دربر می‌گیرد؟

به نظرم مجلس ششم نتوانست در حوزه قانونگذاری زنان به خوبی عمل کند و اتفاقا عملکرد آنها، زنان جامعه ما را ناامید کرد. اتفاقا تماس‌هایی با زنان حاضر در مجلس داشتیم اما خیلی اوقات هم استقبالی نمی‌شد، البته در آن دوران؛ تصمیم من درباره مشارکت در امور سیاسی به امور اجتماعی تغییر کرد.

این نقدهایی که به عملکرد زنان اصلاح‌طلب حاضر در مجلس داشتید؛ در شرایطی مطرح می‌شود که بسیاری، کارنامه آنان را مثبت ارزیابی می‌کنند.

به‌نظرم خیلی کارهای دیگر بود که باید انجام می‌شد، آن‌موقع ما در همان «انجمن همبستگی زنان» خیلی از امور حقوقی را پیشنهاد دادیم و توانستیم برخی تغییرهای حقوقی را به‌وجود بیاوریم، از جمله آنها بحث تغییر قوانینی بود که در یک همایش با حضور حقوقدانان، روحانیون و... برگزار شد اما پیگیری آن در مجلس خیلی سخت بود.

پس می‌شود گفت که یک‌جور انزوای کاری باعث حضورتان در بنیاد بیماری‌های خاص شد؟

نه به‌خاطر انزوا نبود. بیشتر به‌خاطر نیاز بیماران بود.

می‌خواهم از تجربه خودتان بگویید و اینکه به‌عنوان یک زن چه موانعی پیش رویتان بوده و هست؟

اسم آن را دشواری یا مانع نمی‌گذارم. بالاخره در فعالیت اجتماعی، راه هموار نیست. همیشه کارها سخت و آسان می‌شود. مهم این است که کاری را که اعتقاد داری، دنبال کنی و به آن برسی. اما در حوزه کاری خودم فکر می‌کنم با وجود سختی‌ها، یک سازمان غیردولتی می‌تواند اهرم فشاری باشد بر دولت‌ها.

و فکر می‌کنید در مسیر زندگی اجتماعی و سیاسی که انتخاب کرده‌اید، تا چه میزان پدرتان تاثیرگذار بوده‌اند؟

بسیار زیاد. ایشان انسان خیلی روشنی است. هیچ‌وقت فرقی بین دخترها و پسرها نمی‌گذاشت. به همین دلیل امکان فعالیت سیاسی و اجتماعی برای دختران و پسران ایشان همیشه به شکل برابر وجود داشت؛ من هم به‌خاطر تشویق‌های ایشان، پس از انقلاب عضو شاخه دانش‌آموزی حزب جمهوری‌اسلامی شدم. در آنجا کار تشکیلاتی را یاد گرفتم و راستش هر کاری را که خواستم شروع کنم با پدرم مشورت کردم و ایشان از من حمایت کردند و مخالفتی با کارهای من نداشتند.

زمزمه‌هایی هست که ریاست سازمان هلال‌احمر به شما پیشنهاد شده یا اینکه نام شما در کابینه آینده به چشم خواهد آمد؟

تا به امروز هیچ صحبتی در این زمینه با من نشده و من نیز بنایی ندارم که کار بنیاد را رها کنم.

اما حضور شما در جلسه‌ها و نشست‌های آقای روحانی چه در قبل و چه در بعد از انتخابات برای رسانه‌ها و افکارعمومی شایبه‌برانگیز است؟

ببینید من عضو حزب «اعتدال و توسعه» هستم و به همین‌دلیل همراهی‌ام با آقای روحانی از منظر کار تشکیلاتی بوده.

و اگر بخواهید مواردی را در امور زنان به دولت آقای روحانی پیشنهاد کنید؟

طلاق و دادگاه‌های خانواده این‌روزها ذهن بسیاری از ایرانیان را درگیر کرده و دولت و مجلس می‌توانند روی برخی قوانین یک‌طرفه در این حوزه کار جدی کنند و مصوباتی به‌نفع زنان داشته باشند. متاسفانه قوانین ما چندان از زنان آسیب‌پذیر جامعه‌مان حمایت نمی‌کند، برای مثال خانمی که دیالیز می‌شد، به من گفت چون من دیالیز می‌شوم شوهرم من را طلاق داده. خب این یک مشکل قانونی است که در کشور وجود دارد. البته از این مسایل آنقدر زیاد است که مرور آن از حوصله مصاحبه ما خارج است اما اینها مسایلی است که دولت آینده باید به آن بپردازد. همیشه شعار می‌دهیم که بهترین شخص برای تربیت فرزند، مادر است. اما پس از طلاق، مادر این صلاحیت را از دست می‌دهد. این مادر همان مادر است. قانون باید بر اساس واقعیت باشد و واقعیت این است که مادر بهترین تربیت‌کننده است. نکته دیگر اینکه چرا زنی که نمی‌تواند با شوهرش زندگی کند باید تا سال‌ها پشت در دادگاه‌ها باشد. از اینها گذشته دولت آینده باید مساله آموزش و سهمیه‌بندی دختران ما در دانشگاه‌ها را حل‌وفصل کند و در بحث اشتغال زنان رویکرد قابل‌قبولی ارایه دهد.

در مورد مشارکت سیاسی زنان چه توصیه‌ای به دولت روحانی دارید؟

نمی‌خواهم هیچ تحمیلی به دولت آقای روحانی شود؛ مثلا اینکه حتما باید وزیر زن باشد چون سیاست‌سالاری مطرح است. اما در میان زنان افراد شایسته‌ای هستند. توصیه دوستانه‌ام این است که آقای روحانی نباید با نگاه برتری، مردان را انتخاب کنند. باید گروه‌هایی از مشاوران او به توانمندی زنان واقف بوده و به‌خوبی این مساله را ببینند.

فکر می‌کنید راه‌هایی هست که این زنان به آقای روحانی معرفی شوند؟

بله، کمیته‌ای در مورد زنان تشکیل شده که خانم داندیش آن را پیگیری می‌کند. کارگروه‌های منظمی شکل گرفته و در آن از متخصصان زن برای هم‌اندیشی دعوت شده تا خانم‌ها پیشنهادات خود را ارایه دهند. بنا بر این است که مسایل و مشکلات زنان در این نشست‌ها طرح و برای آن راهکارهایی پیشنهاد شود. در آخر هم قرار است نمایندگان تواننمد زن برای معاونت یا وزارتخانه‌هایی مرتبط معرفی شوند. به‌طور کلی وضعیت حضور زنان در دولت آقای روحانی را روشن می‌بینم، ایشان رویکردشان شایسته‌سالاری بوده و در این مسیر بدون شک حضور و بهره‌مندی از توان زنان شایسته ایران را فراموش نخواهند کرد. از این گذشته، به‌نظرم مهم‌ترین نکته این است که مردان کابینه ایشان نیز از شخصیت‌ها و چهره‌هایی انتخاب شوند؛ که نگاه روشنی به مشارکت زنان داشته باشند، فراموش نکنیم که ما از چیدمان زنان در قدرت گاهی به‌دنبال کسب امتیاز هستیم و در بدنه جامعه، زنان به فراموشی سپرده می‌شوند، امیدوارم در دولت آقای روحانی زنان نه‌تنها در سمت‌های سیاسی مهم و کلیدی، که در ساختار میانی قدرت نیز حضور داشته باشند.

برای آخرین سوال، بفرمایید که از کابینه آقای روحانی و حضور زنان خبر تازه‌ای دارید؟ آیا راه‌اندازی وزارت زنان در دولت ایشان پیگیری خواهد شد؟

فعلا بی‌خبرم.

گزارش

میزگرد انتخاباتی عبدی، سلیمی‌نمین، امینی و محبیان

تسنیم: روز گذشته مناظره‌ای با حضور عبدی، سلیمی‌نمین، امینی و محبیان در خبرگزاری «تسنیم» با موضوع «تحلیل جامعه‌شناختی چرایی رای‌آوری حجت‌الاسلام حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری» برگزار شد. پرویز امینی در این مناظره گفت روحانی بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان را قانع کرد که من برای شعارها و مطالبات شما از عارف بهترم. عباس عبدی هم معتقد است رای اصلاح‌طلبان را نمی‌شود از روحانی جدا کرد. عباس عبدی گفت: تمام آن محدودیت‌هایی که برای آقای روحانی و مطلوبیت‌هایی که راجع به رقبایش گفته می‌شود، فقط در این ساختار است که فهمیده می‌شود. مثالی ساده بزنم. اگر مطلبی که راجع به مدرک آقای روحانی مطرح شد، درباره نامزد دیگری مطرح می‌شد، تبدیل به مساله عمده و اساسی برای آن نامزد می‌شد به طوری که نامزد دیگر نمی‌توانست آن را حل کند، ولی در اینجا می‌بینید که این مساله اهمیتی پیدا نمی‌کند. چرا؟ دلیلش این است که مردم وقتی دنبال چیزی هستند، دیگر به این حواشی توجه نمی‌کنند. مثلا اگر شما کسی را دوست داشته باشید، حتی اگر آن زشت هم باشد، برای شما زیباست. برعکس این نیز صادق است. مثالی دیگر بزنم. آقای جلیلی کسی است که در جنگ حضور داشته و پایش را از دست داده اما شما ببینید که او نمی‌تواند از این ویژگی مثبتش استفاده کند. اگر هم این کار را می‌کرد، این ویژگی را هم خراب می‌کرد اما همین نکته اگر درباره فرد دیگری که به دلایلی قرار است نگاه مثبت به او شود، وجود می‌داشت به‌عنوان مهم‌ترین و بهترین ویژگی وی مطرح می‌شد و اگر امروز رای می‌آورد، یکی از دلایلش را حضور در جبهه می‌دانستند. آن فضا را ما نباید فراموش کنیم که خیلی از کنشگران در عین حالی که مهم هستند، نمی‌توانند مستقل از این فضا باشند. پرویز امینی هم گفت: کسانی که جلیلی را آوردند، او را برای بازی بزرگ‌تری آوردند و معتقد بودند که جلیلی تنها کسی است که توانایی رقابت با هاشمی را دارد. برآیند آنها این بود و پس از قطعی‌شدن حضور آقای هاشمی، جلیلی به صحنه آمد. اطرافیان جلیلی او را پیروز انتخابات می‌دانستند. جمع‌بندی عقبه‌ای که جلیلی را به میدان آورد، این بود که کسی که می‌تواند آقای هاشمی را در رقابت‌های انتخاباتی ببرد، جلیلی است. در تحلیلشان بعد از انتخابات، آقای لنکرانی گفت که مشکل این بود که هاشمی رد شد، اگر او در انتخابات بود، رقابت به دو قطب هاشمی- جلیلی تبدیل می‌شد و هاشمی بیشتر از یک‌سوم آرا را کسب نمی‌کرد. اینها جنبه‌های نابلدی‌های سیاسی است. در ایام انتخابات با اطرافیان آقای جلیلی که صحبت می‌شد، آنها جلیلی را پیشاپیش پیروز انتخابات می‌دانستند. این دیگر بحث رانت نیست. عباس عبدی در ادامه حرف‌های امینی گفت: چرا اتفاقا این رانت است. رانت این است که من یک عینک خیلی قوی به چشمم بزنم و بعد فکر کنم با این عینک می‌شود همه جا را دید ولی روزی که عینک را برمی‌داری، می‌بینی که دید نداری. در زمان انتخابات است که عینک طرف برداشته می‌شود. اگر دچار رانت نبودند و حداقلی از رقابت را در زندگی سیاسی‌شان داشتند و دچار مشکل سیاسی نمی‌شدند. این مشکل اساسی درباره اصولگرایان بود. یک اشتباه دیگر ناشی از رانت این است که می‌گفتند آقای قالیباف اصولگراست. ممکن است آقای قالیباف شخصا اصولگرا باشد اما او آمده بود رای طبقه‌ای را درو کند که این مساله ربطی به شخصیت سیاسی‌اش ندارد. اصلا اگر قرار بود یک انتخاباتی با چهار نامزد باشد، اصولگرایان فقط می‌توانستند یک یا حداکثر دو نامزد داشته باشند، نه اینکه از هشت نفر شش نفر کاندیدا داشته باشند. مشکل اصلی این است که رای آقای قالیباف رایی بسیاربسیار کم‌عمق مثل گیاه‌های کم‌عمق بود. سلیمی‌نمین هم در ادامه بحث گفت: جماعت تندرو اصولگرا به‌دنبال حذف اصلاح‌طلبان بودند حرکت خطا از آستانه انتخابات مجلس شروع شد. این فکر متعلق به غالب جریان اصولگرا نبود بلکه مربوط به یک جماعت تندرو از اصولگرایان بود که به دنبال حذف جریان اصلاح‌طلب و مقدمه قراردادن آن برای حذف‌های دیگر بودند. یعنی تحلیل ما این بود که این جریان می‌خواهد هرکسی را که با خودش همراه نمی‌بیند، حذف کند. باید تاکید کنیم که جبهه پایداری که به نظر من موضع غیرا